

”

**جنبش استعمارزدایی از دانشگاه:
بررسی ریشه‌ها و معنای آن**

نویسنده: کری پیمبلات

مترجم: خوشناو قاضی

“

چکیده

در این مقاله مباحث اخیری که در آموزش عالی بریتانیا درباره نیاز به «استعمارزدایی از برنامه‌های درسی» پدید آمده را بررسی کرده و به طور ویژه به پیامدهای این موضوع و تأثیرات آن بر رشته تاریخ می‌پردازیم. ما این مباحث مهم را به عنوان یکی از نتایج یک جنبش جهانی و فراملیتی معرفی می‌کنیم که توسط دانشجویان رنگین‌پوست هدایت شده و نگرانی‌ها و مطالبات آن‌ها به فراتر از کلاس‌های درس دانشگاه سرایت کرده است. بخش اول مقاله به بررسی ریشه‌های این جنبش می‌پردازد و برخی پیشینه‌های مهم آن و همچنین نیروهای سیاسی و اقتصادی-اجتماعی گسترده‌تری که باعث شکل‌گیری آن در سال ۲۰۱۵ شدند را شناسایی می‌کند. سپس، نقد چندبعدی این جنبش از بخش دانشگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد، که شامل درخواست برای «استعمارزدایی از برنامه درسی» است اما به هیچ وجه محدود به آن نیست. در نهایت، پیامدهای بالقوه این موضوع برای دانشگاهیان و محققان رشته تاریخ مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: استعمارزدایی، دانشگاه، برنامه درسی، جنبش دانشجویی، مطالعات سیاه‌پوستان، ضدنژادپرستی

مقدمه

در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۹، اعضای گروه جنبش ضدنژادپرستی گلداسمیتس^۱ یا گارا (GARA) پس از کسب مجموعه‌ای از امتیازات مهم از سوی مدیران دانشگاه، به اشغال ۱۳۷ روزه تالار شهر دپتفورد در جنوب شرقی

لندن پایان دادند. فعالان مزبور این ساختمان را در ۱۲ مارس تصرف کرده بودند و علت آن را «خودداری از انجام اقدامات ضدنژادپرستی از سوی مدیریت ارشد» پس از آنکه مجموعه‌ای از حوادث نژادپرستانه برجسته در محوطه دانشگاه رخ داده بود، عنوان کردند. اشغال‌کنندگان در بیانیه‌ای که در توئیتر منتشر کردند، به فرهنگ فراگیر نژادپرستی و ضدسیاه‌پوستی اشاره کردند که دانشجویان رنگین‌پوست در آن مجبور به مقابله و تحمل «توهین و زورگویی‌های کوچک روزانه، اساتید و متکلمین بی‌تفاوت، منابع درسی که تجربیات آنان را نادیده می‌گیرند و عدم واکنش از سوی مقامات مسئول» هستند. دانشجویان بین‌المللی با چالش‌های مضاعف از جمله نظارت سختگیرانه و گزارش شرکت در تجمعات که می‌تواند منجر به اخراج از کشور شود، روبرو بودند. جنبش همچنین با کارکنان بخش نظافت و نگهبانی، که عمدتاً سیاه‌پوست و اقلیت‌های قومی و اتنیک بودند و با دستمزد کم، شرایط کاری نامناسب و تهدید به برون‌سپاری و اخراج مواجه بودند، همیستگی برقرار کرد. بسیاری از این کارکنان در محله‌های طبقه کارگر اطراف دانشگاه زندگی می‌کردند، اما دسترسی آنان به امکانات دانشگاهی، از جمله تالار شهر، با آسانی مقدور نبود.

به گفته اعضای گروه، این شرایط نشان‌دهنده «استعمار عمیق و مستحکم کالج گلداسمیتس» و میراث استعماری آن بود؛ نهادی که آن‌ها امیدوار بودند با ایجاد یک جنبش کامل و جامع‌الشمول که «صدای به حاشیه رانده‌شده‌ترین افراد را تقویت کرده

و به گوش مسئولان برساند»، تغییر دهند. پس از یک نبرد چهارماهه که در آن مقامات دانشگاه حتی احکام قضایی گرفتند و تهدید به استفاده از ضابطان قضایی و پلیس برای تخلیه اشغال‌کنندگان کردند، جنبش پیروزی قاطع خود را اعلام کرد.

از جمله امتیازات کسب‌شده، بازبینی سراسری برنامه‌های درسی و سرفصل‌های آموزشی، آغاز پروژه عدالت جبرانی برای بررسی میراث استعماری گلداسمیتس، آموزش ضدنژادپرستی اجباری برای تمامی کارکنان، ارتقای خدمات بهزیستی و مشاوره موجود، بازبینی سیاست‌های ضد تبعیض و آزار، بازگرداندن بورس‌های تحصیلی برای دانشجویان فلسطینی و بهبود دسترسی جامعه به تالار شهر دیتفورد بود (۱).

نویسنده با این بحث مختصر درباره کمپین گلداسمیتس، یادآوری می‌کند که مباحث اخیر در آموزش عالی بریتانیا درباره نیاز به «استعمارزدایی از برنامه درسی» تا حد زیادی نتیجه فشار اعمال‌شده توسط یک جنبش پایدار و دانشجوی-محور است که شکایات و مطالبات آن فراتر از کلاس درس می‌رود. در پنج سال گذشته، شاهد افزایش چشمگیر فعالیت‌های اعتراضی در دانشگاه‌ها بوده‌ایم که توسط دانشجویان رنگین‌پوست هدایت شده و هدف آن مقابله با دانشگاه‌ها به‌عنوان یکی از مکان‌های کلیدی در ایجاد و تداوم نژادپرستی سازمانی و برتری‌طلبی سفیدپوستان بوده است. فعالان دانشجویی با الهام از کمپین‌های نمادین «رودز باید فرو بریزد» که در آن دانشجویان خواستار پایین کشیدن مجسمه سسیل جان رودز استعمارگر معروف از محوطه دانشگاه شدند و همچنین کمپین «چرا برنامه درسی من

سفید است؟»، مبارزات استعمارزدایی را در دانشگاه‌هایی از ساسکس تا دانشگاه SOAS لندن آغاز کرده‌اند.

نویسنده به‌عنوان یک تاریخ‌دان متخصص در جنبش‌های اجتماعی دیاسپورای آفریقایی، قصد دارد در این مقاله کوتاه به بررسی ریشه‌های افزایش اخیر فعالیت‌های دانشجویی بپردازد و برخی از پیشینه‌های این جنبش و همچنین نیروهای سیاسی و اقتصادی-اجتماعی گسترده‌تری که در سال ۲۰۱۵ باعث شکل‌گیری آن شدند را شناسایی کند. او سپس به نقد چندبعدی این جنبش از بخش دانشگاهی می‌پردازد، که شامل درخواست استعمارزدایی از برنامه درسی است اما به هیچ وجه محدود به آن نیست، و در نهایت پیامدهای بالقوه این موضوع را برای کارکنان آکادمیک فعال در رشته تاریخ بررسی می‌کند.

ریشه‌های جنبش

مطالبه‌گری برای استعمارزدایی از دانشگاه موضوع جدیدی نیست و ریشه در جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی پیشین دارد که فعالان آن جنبش‌ها مصمم به مقابله با سازوکارهای ایدئولوژیک برتری سفیدپوستان و استعمار بودند و به دنبال توسعه معرفت‌شناسی و روش‌های جایگزین برای یادگیری و تولید دانش بودند. فرآیند بازسازی و نوسازی دانشگاه مانند هر جنبش دیگری، مسیری طولانی و پرچالش بوده که فراز و نشیب‌های فراوانی به خود دیده است.

پاریس در دوران میان‌دوجنگ جهانی یک نقطه عطف مهم بود که در آن نسل قبلی دانشجویان دیاسپورای آفریقایی‌از جمله آیمه سزر، لئون داماس، پالت ناردال و لئوپولد سدار سَنگور جنبش نگریتود را در واکنش به

نژادپرستی در جامعه فرانسه و نهادهای آموزشی کشور آغاز کردند. این جنبش بار دیگر در دوران قدرت سیاه به اوج رسید، زمانی که دانشجویان آفریقایی-آمریکایی ساختمان‌های دانشگاه‌ها را اشغال کرده و خواستار تغییراتی در سیاست‌های پذیرش، استخدام و ایجاد برنامه‌های پژوهشی و مطالعات سیاه‌پوستان در آمریکا شدند. فعالان دانشجویی، بدون آنکه منتظر اصلاحات تدریجی و وقت‌گیر شوند، دانشکده‌های تجربی و پژوهشی خود را افتتاح کردند که مطالعات آن‌ها تجربه اجتماعی-تاریخی سیاهان را در مرکز توجه قرار داده و بر تولیدات فکری و فرهنگی مردم آفریقایی‌تبار متمرکز بودند. این جنبش‌ها تأثیرات عمیقی برجای گذاشتند و میراث آن‌ها در افزایش دسترسی، نمایندگی و افزایش درصد رنگین‌پوستان در موسسات آموزشی عمدتاً سفید و توسعه رشته‌های جدید مانند مطالعات سیاه‌پوستان، نظریه نژادی انتقادی و مطالعات پسااستمره مشهود است. محققان فعال در این حوزه‌ها، همچنین در رشته‌های سنتی، به گفته دالیا جبریل، نقشی چند دهه‌ای در «تضعیف جنبه‌های استعماری دانشگاه ایفا کرده‌اند، با این هدف که آن را انتقادی‌تر، دقیق‌تر و دموکراتیک‌تر کنند.» (۲)

جنبش‌های معاصر برای استعمارزدایی از دانشگاه بر شالوده این تاریخ مقاومت و مبارزه بنا شده‌اند و واکنشی به شرایط خاص زمانی و مکانی خود هستند. این جنبش‌ها مانند پیشینیان خود، دارای ابعاد فراملی هستند و بسیاری از آن‌ها آغاز خود را در سال ۲۰۱۲ با کمپین «رودز باید فرو بریزد» در کیپ‌تاون می‌دانند

که سپس به دانشگاه آکسفورد و دیگر دانشگاه‌های بریتانیا گسترش یافت. این جنبش‌ها پیش از آن نیز تحت تأثیر سایر جنبش‌های دیگر جوانان سیاه‌پوست و کمپین‌های رسانه‌های اجتماعی قرار گرفته بودند. این تحولات در زمینه‌ای رخ داد که به گفته «سندیاتا چا-جوا»، محقق مطالعات سیاه‌پوستان، دوران «افول جدید» در تجربه آفریقایی-آمریکایی‌ها بود. این دوران که توسط انتقال پساوردیسم به «سرمایه‌داری نژادی جهانی مالی‌شده» شکل گرفت، با نابرابری‌های فزاینده، تفکیک شدید، محرومیت از حقوق، زندانی‌کردن گسترده، خشونت دولتی و جرایم ناشی از نفرت مشخص می‌شود. (۳)

این واقعیت‌های نژادپرستانه و ناهماهنگی آشکار آن‌ها با اسطوره «پایان نژادپرستی» دوران اوباما بود که واکنش شدید به تبرئه جورج زیمرمن در پرونده قتل تریون مارتین در سال ۲۰۱۳ را برانگیخت. پس از این حکم، «آلیشیا گارزا»، «پاتریس کالرز» و «اوپال تومتی» هشتگ **BlackLivesMatter#** را ایجاد کردند و هزاران دانش‌آموز دبیرستانی و دانشگاهی هودی خود را پوشیده و به خیابان‌ها آمدند. از این اعتراضات، سازمان‌های جدیدی از جمله «پروژه جوانان سیاه ۱۰۰»، «شبکه زندگی سیاهان مهم است» و «جنبش عدالت یک میلیون هودی» و مدافعان روپا شکل گرفتند که بسیاری از اعضای آن‌ها در تابستان بعد به فرگوسن، میزوری رفتند تا به قتل «مایکل براون» توسط پلیس اعتراض کنند. مانند دوران جنبش قدرت سیاه، دانشجویان دانشگاه‌ها نقش برجسته‌ای در این کمپین‌ها داشتند و تجربه و



مهارت‌های خود را در محوطه‌های دانشگاه بکار گرفتند، و به مقابله با خشونت علیه سیاه‌پوستان و نژادپرستی سازمانی برخاستند. در مارس ۲۰۱۴، دانشجویان دانشگاه هاروارد کمپین #iTooAmHarvard را چندرسانه‌ای برای برجسته کردن تجربیات دانشجویان اقلیت نژادی آغاز کردند. این پروژه جهانی شد و کمپین‌های مشابهی را در دانشگاه‌های برتر آمریکای شمالی و بریتانیا، از جمله آکسفورد و کمبریج، الهام بخشید. در همان ماه، دانشجویان کالج دانشگاه لندن کمپین «چرا برنامه درسی من سفید است؟» را راه‌اندازی کردند که به برنامه‌های درسی اروپا-محور که تجربیات و سرگذشت مردم رنگین‌پوست و آنچه بر سر آن‌ها آمده را نادیده می‌گرفت و بر تأثیرات برده‌داری و استعمار سرپوش می‌گذاشت، حمله می‌کرد.

این مبارزات با وجود الهام گرفتن از جنبش‌های آمریکا و آفریقایی جنوبی، به شدت تحت تأثیر چالش‌های خاصی هستند که رنگین‌پوستانی که در بریتانیا زندگی و تحصیل می‌کنند با آن روبرو هستند. از یک سو، تعداد بیشتری از رنگین‌پوستان و اقلیت‌های نژادی به دانشگاه‌ها راه یافته‌اند، به‌طوری که بین سال‌های تحصیلی ۲۰۱۱/۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶/۲۰۱۵ تعداد این دانشجویان ۳۴ درصد افزایش یافته است. اما در همان سال، دانشجویان سیاه‌پوست (یعنی دانشجویانی با میراث آفریقایی) تنها ۶ درصد از کل دانشجویان دانشگاهی بریتانیا را تشکیل می‌دادند درحالی که درصد جمعیت آفریقایی‌ها نزدیک دو برابر این مقدار است. این در حالی است که شهریه‌های بالا و

نابرابری‌های نژادی پایدار باعث شده‌اند که انتظارات رو به رشد این نسل جدید از دانشجویان رنگین‌پوست برآورده نشود. گزارشی از بنیاد رنمید نشان می‌دهد که دانشجویان رنگین‌پوست و اقلیت نژادی علیرغم ورود بیشتر از گذشته به دانشگاه‌ها، همچنان در دانشگاه‌های درجه پایین‌تر متمرکز هستند، عملکرد تحصیلی پایین‌تری دارند و از چشم‌انداز شغلی ضعیف‌تری نسبت به هم‌تایان سفیدپوست خود برخوردارند. در توضیح این نابرابری‌ها، نویسندگان گزارش نتیجه‌گیری کردند که دانشگاه‌های بریتانیا در زمینه تغییر برنامه‌های درسی، فرهنگ و نیروی انسانی، «به طور قابل توجهی در برابر تغییر مقاومت کرده‌اند و عمدتاً مانند «برج‌های عاج» ایزوله، آرمان‌گرایانه یا بی‌توجه به مشکلات، باقی مانده‌اند - با تأکید بر کلمه «عاج» (که به سفیدپوستی اشاره دارد)». (۴)

اعتراضات دانشجویی در این شرایط و در پس‌زمینه گسترده‌تر «دوران افول» بریتانیا رخ داده است که با بیش از یک دهه سیاست‌های ریاضت اقتصادی، سیاست‌های «محیط خصمانه» و موج افزایش ملی‌گرایی سازمان‌یافته سفیدپوستان و جرایم ناشی از نفرت که با برگزیت تقویت شده‌اند، مشخص می‌شود. جای تعجب نیست که جنبش‌های دانشجویی در دانشگاه‌های دو سوی اقیانوس اطلس پس از وقوع حوادثی با انگیزه‌های نژادپرستانه شکل گرفته‌اند، خواه فریاد زدن توهین‌های نژادپرستانه در دانشگاه میزوری باشد یا تخریب پوسترهای کمپین دانشجویی در گلداسمیتس. در پی این رویدادهای تحریک‌آمیز، دانشجویان برای مقابله

با اعمال آشکار نژادپرستی و همچنین فرهنگی گسترده‌تر از نژادپرستی سازمانی و اروپا-محوری که ریشه در تاریخ طولانی برده‌داری و استعمار دارد، بسیج شده‌اند.

معنای جنبش

جنبش "رودز باید فرو بریزد" آکسفورد (RMFO) از این نظر بسیار آموزنده است، زیرا به میراث استعماری دانشگاه در سه حوزه تمرکز دارد: نمادها، برنامه درسی و نمایندگی. دانشجویان آکسفورد نیز الهام گرفته از درخواست‌های دانشجویان آفریقایی جنوبی برای حذف مجسمه سسیل رودز از دانشگاه کیپ‌تاون، بر روی یک مجسمه مشابه در کالج اوریل متمرکز شدند که پس از تصمیم رودز، استعمارگر بریتانیایی، برای اهدای بخشی از ثروتش به صندوق وقف این کالج، ساخته شده بود. با هدف قرار دادن این نمادهای معماری، دانشجویان آکسفورد تلاش کردند تا فراموشی تاریخی در مورد رابطه دانشگاه با استعمار را از بین ببرند. این استراتژی بعدها توسط بسیاری از کمپین‌های دیگر در بریتانیا و فراتر از آن نیز اتخاذ شد. به عنوان مثال، فعالان دانشجویی در گلداسمیتس خواستار حذف چهار مجسمه از استعمارگران و یک کشتی برده‌بر از تالار شهر دپتفورد شدند، در حالی که هم‌تایان آمریکایی آن‌ها نمادهای تجلیل‌آمیز از صاحبان برده و رهبران کنفدراسیون را هدف قرار دادند. این کمپین‌های دانشجویی بحث‌های ارزشمندی در مورد نقش تاریخی و معاصر دانشگاه‌ها در بازتولید برتری‌طلبی سفیدپوستان ایجاد کرده و به پیشبرد ابتکارات اخیر در موسساتی مانند دانشگاه جورج‌تاون و گلاسگو

برای بررسی و جبران میراث برده‌داری و استعمار کمک کرده‌اند. این میراث‌ها هم مادی هستند و هم ایدئولوژیک، که از فضای فیزیکی دانشگاه تا دانشی که در آن تولید و منتشر و تعلیم داده می‌شود، گسترش می‌یابند. جنبش‌های نگریتود و قدرت سیاه پیش‌تر پایه‌های مهمی برای این نقد فراهم کردند و روشنفکران اروپایی و آمریکایی به ریشه‌روپایی، که ادعای "روشنگری" داشتند را به دلیل نقششان در توسعه منابع گفتمانی برای مشروعیت‌بخشی به سیستم‌های سلطه نژادی و استعمارگری مورد انتقاد قرار دادند. سزر، یکی از چهره‌های برجسته این جنبش، آن‌ها را "شیادان و فریب‌کاران" می‌نامید، افرادی که خود را بی‌طرف جلوه می‌دادند اما عمیقاً به برتری سفیدپوستان متعهد بودند و از «پذیرش وجود هرگونه شایستگی در نژادهای غیرسفید» خودداری می‌کردند. (۵) یکی از جنبه‌های مهم جنبش استعمارزدایی، نمایان کردن نقش دانشگاه‌ها در توسعه علوم مبتنی بر نژاد و همچنین الگوهای اروپا-محور برای بحث در مورد فرهنگ و جامعه انسانی است. به عنوان مثال، در کالج دانشگاهی لندن (UCL)، دانشجویان به نقش فرانسیس گالتون، دانشمند عصر ویکتوریایی و یکی از حامیان دانشگاه، در ایجاد علم به‌نژادی (eugenics) توجه کردند. رهبران دانشگاه در نوامبر ۲۰۱۸ با تشکیل یک کمیسیون تحقیق برای بررسی نقش تاریخی و معاصر این موسسه در مطالعات به‌نژادی و همچنین هرگونه منافع مالی حاصل از این تحقیقات به خواسته دانشجویان پاسخ دادند. مورخان نقش ویژه‌ای در این ابتکارات عدالت‌ترمیمی دارند و باید با لنز انتقادی خود



به فضاهایی که در آن فعالیت می‌کنند بازگردند و آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند.

با این حال، مقابله با نقش دانشگاه در تولید افکار نژادپرستانه تنها یک روی سکه است. جنبش استعمارزدایی همچنین درخواست‌هایی را برای شناسایی و توسعه دانش‌های جایگزین (و حاملان دانش) که قادر باشند ما را از تحریف‌ها و حذف‌های ناشی از الگوهای هژمونیک اروپا-محور فراتر ببرند، تجدید کرده است. برای مثال، بیانیه جنبش رودز باید فرو بریزد آکسفورد (RMFO) تمایل خود را برای «اصلاح روایت به شدت گزینشی آکادمی سنتی - که غرب را به‌عنوان تنها تولیدکننده دانش جهانی معرفی می‌کند - از طریق ادغام دانش‌های محلی و به حاشیه رانده‌شده ... [و ایجاد] یک آکادمی فکری دقیق‌تر و کامل‌تر» ابراز می‌کند (۶).

این هدفی بود که دانشجویان در جنبش‌های نگریتود و قدرت سیاه نیز دنبال کردند، که هر دو از سنت‌های فکری سیاه‌پوستان الهام می‌گرفتند. در ایالات متحده، جنبش‌های دانشگاهی اواخر دهه ۱۹۶۰ به ایجاد برنامه‌های مطالعات سیاه‌پوستان و استخدام گروهی از دانشمندان آفریقایی-آمریکایی منجر شد که نظارت بر نهادهای سازی این رشته را بر عهده داشتند. تا ابتدای هزاره جدید، ۱۲۰ دانشگاه مدرک در رشته مطالعات آفریقایی-آمریکایی ارائه می‌دادند و ۱۰۰ دانشگاه دیگر نیز امکان تمرکز در این رشته را فراهم کرده بودند. همزمان، سیاست‌های اقدام مثبت (affirmative action) برای جبران شیوه‌های تاریخی حذف نژادی معرفی شدند. (۷)

در بریتانیا نیز در این دوره درخواست‌هایی برای ایجاد مطالعات سیاه‌پوستان مطرح شد که این کمپین‌ها اغلب (هرچند نه به‌طور انحصاری) توسط والدین سیاه‌پوست رهبری می‌شد و عمدتاً بر چالش‌های فوری کودکان مهاجران «مشترک‌المنافع جدید» در سیستم مدارس ابتدایی و متوسطه تمرکز داشت. این تلاش‌های پویا و مبتنی بر جامعه، چشم‌انداز آموزشی را متحول کردند و شبکه گسترده‌ای از نهادهای موازی - از جمله مدارس مکمل و مراکز منابع - ایجاد کردند و همچنین پیشرفت‌های مهمی در مدارس اصلی به وجود آوردند. با این حال، اصلاحات در بخش آموزش عالی کمتر انجام شد و در حالی که تعداد کمی از دانشگاه‌ها ارائه ماژول‌های مطالعات سیاه‌پوستان را آغاز کردند، ۵۰ سال طول کشید تا اولین مدرک کارشناسی در رشته مطالعات سیاه‌پوستان در دانشگاه بیرمنگام سیتی در سال ۲۰۱۷ اعطاء شود.

این تفاوت‌های تاریخی اهمیت دارند و زمینه‌ای مهم برای درخواست‌های اخیر جهت «استعمارزدایی از برنامه درسی» فراهم می‌کنند. در حالی که برخی جنبش‌های مستقر در ایالات متحده به موضوعات مرتبط با برنامه‌های درسی پرداخته‌اند، آن‌ها تمایل داشته‌اند بر حفظ و گسترش پیروزی‌های برنامه‌ای که نسل قبلی فعالان به دست آورده‌اند، تمرکز کنند. در مقابل، کمپین‌های مستقر در بریتانیا کلاس درس را به‌عنوان مکانی مرکزی برای مبارزه معرفی کرده‌اند و علیه محتوای اروپا-محور درسی (مانند کمپین «#چرا برنامه درسی من سفید است؟») و نمایندگی بسیار کم

استعمارزدایی از تاریخ

جای تعجب نیست که دانشجویان انگشت اتهام را به سوی رشته تاریخ نشانه رفته‌اند. یک گزارش اختصاصی در سال ۲۰۱۸ که توسط انجمن سلطنتی تاریخ (RHS) انجام شد، مطالعات تاریخی و فلسفی (H&PS) را به‌عنوان «یکی از سفیدترین (در معنای نژادپرستانه) حوزه‌های موضوعی در آموزش عالی بریتانیا» معرفی کرد. از جمله یافته‌های کلیدی این گزارش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) فرهنگ آکادمیک که در آن درصد دانشجویان و کارکنان رنگین پوست و اقلیت نژادی بیش از حد پایین است. ب) وجود سطح قابل توجهی از تعصب نژادی و آزار و اذیت. ج) برنامه درسی «بیش از حد محدود».

دانشجویان کارشناسی در رشته‌های مطالعات تاریخی و فلسفی به طور عمده سفیدپوست هستند (۸۸.۷ درصد) و درصد دانشجویان رنگین پوست و اقلیت نژادی (۱۱.۳ درصد) در این رشته‌ها بسیار کمتر از کل جمعیت دانشجویان کارشناسی (۲۳.۹ درصد) مشغول به تحصیل در این رشته‌ها است.

دانشجویان سیاه‌پوست بیشتر از دیگر اقلیت‌های نژادی در معرض محرمیت هستند، به طوری که تنها ۲.۴ درصد از دانشجویان رشته‌های مطالعات تاریخی و فلسفی را تشکیل می‌دهند، در حالی که این گروه ۷ درصد از کل دانشجویان کارشناسی را شامل می‌شود. این نابرابری‌ها در مراحل گذار به تحصیلات تکمیلی و پژوهش در اوایل دوران حرفه‌ای شدیدتر می‌شوند. سیاهان و اقلیت‌ها تنها ۸.۶ درصد از دانشجویان پژوهشی تحصیلات تکمیلی در مطالعات

کارکنان رنگین‌پوست (مانند کمپین «#چرا استاد من سیاه نیست؟») مبارزه کرده‌اند. افراد با میراث آفریقایی تنها ۱.۵۴ درصد از کل نیروی کار دانشگاهی و ۰.۴۹ درصد از استادان دانشگاه را تشکیل می‌دهند (در سال ۲۰۱۵، تعداد کل استادان سیاه‌پوست هشتاد و پنج نفر بود که فقط هفده نفر از آن‌ها زن بودند). (۸)

این نارضایتی‌ها فعالان دانشجویی را متحد کرده و خواسته‌های آنها بارها توسط سیاست‌گذاران، اتحادیه‌ها، انجمن‌های حرفه‌ای و متخصصان آموزشی مورد بحث قرار گرفته است. چند سال پیش از کمپین RMFO، اتحادیه ملی دانشجویان بریتانیا یک نظرسنجی منتشر کرد که شکاف‌های قابل توجهی در موفقیت تحصیلی و رضایت بین دانشجویان سیاه‌پوست دانشگاه‌ها و هم‌تایان سفیدپوست آنها را نشان می‌داد. این نظرسنجی به شکست در ایجاد «برابری نژادی» در استخدام و برنامه‌های درسی به‌عنوان عوامل مهم این شکاف اشاره می‌کرد. بیش از چهار نفر از هر ده پاسخ‌دهنده سیاه‌پوست (۴۲ درصد) بیان کردند که معتقد نیستند برنامه درسی آن‌ها مسائل مربوط به تنوع، برابری و تبعیض را منعکس می‌کند. یک سوم از آن‌ها (۳۴ درصد) نیز احساس می‌کردند که نمی‌توانند دیدگاه‌های خود به‌عنوان دانشجویان سیاه‌پوست را در سخنرانی‌ها و جلسات آموزشی مطرح کنند. دانشجویان سیاه‌پوست در گروه‌های متمرکز بر اهمیت «دیدگاه‌های متنوع‌تر در مازول‌های درسی، به‌ویژه در زمینه‌های تاریخ، هنر و سیاست» تأکید کردند. (۹)



تاریخی و فلسفی و ۶۳ درصد از کارکنان دانشگاهی تاریخ را تشکیل می‌دهند. اساتید سیاه‌پوست تنها نیم درصد (۰.۵ درصد) از کل تاریخ‌دانان شاغل در دپارتمان‌های تاریخ بریتانیا را شامل می‌شوند. این فرهنگ حذف نژادی پیامدهای قابل‌توجهی برای آرمان‌های دانشجویان سیاه و اقلیت و همچنین سلامت کلی این رشته و بخش‌های مرتبط دارد. (۱۰).

استعمارزدایی برنامه درسی به تنهایی نمی‌تواند کاستی‌ها و مشکلات سترگی که رشته تاریخ در بریتانیا با آن روبرو است، را رفع کند. بحران نمایندگی اقلیت‌ها که گزارش انجمن سلطنتی تاریخ (RHS) به آن پرداخته است، ایجاب می‌کند که فراتر از رویکردهای لیبرالی «بی‌تفاوت به رنگ» در استخدام پیش برویم و اشکال جایگزین اقدامات و تبعیض مثبت یا حمایتی را اتخاذ کنیم. این روش‌ها پتانسیل دستیابی به نتایج عادلانه‌تر را دارند و برای کارهای ترمیمی و جبرانی جهت مقابله با نابرابری‌های سیستماتیک ناشی از شیوه‌های تاریخی و معاصر تبعیض نژادی مناسب‌تر هستند.

سازمان مسیرهای پیشرو^۲ پیشنهادهای قانع‌کننده‌ای برای استفاده از اقدامات مثبت برای رفع مشکل نمایندگی ناکافی و مزمن دانشجویان سیاه‌پوست در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌هایی مانند تاریخ ارائه کرده است. این پیشنهادها شامل تخصیص بودجه ویژه و توسعه طرح‌های شبکه‌سازی هدفمند است. با این حال، برنامه درسی که ارائه می‌دهیم همچنان اهمیت دارد و همان‌طور که نویسندگان گزارش انجمن سلطنتی تاریخ تأکید می‌کنند، «یک

برنامه درسی سفیدمحور و اروپا-محور یک مشکل نژادی در این رشته است». بر این اساس، انجمن به همراه فعالان دانشجویی خواستار گسترش برنامه‌های درسی شده است تا «پایه‌های نژادی این رشته را به چالش بکشد و تنوع کامل تاریخ نوع بشر و همه انسان‌ها را بازتاب دهد».

پیشنهادهای خاص شامل موارد زیر است:

- گسترش پوشش تاریخ‌های نژادها و اتنیک‌های دیگر در سراسر برنامه درسی.

- پرسش از نبود کتاب‌های تاریخ‌نگاران سیاه و اقلیت نژادی در فهرست‌های مطالعه‌ای که دانشجویان موظف به مطالعه آن هستند.

- پرداختن به نبود تاریخ مختص به سیاهان بریتانیایی.

- تنوع بخشیدن به محتوای دوره‌های اصلی روش‌ها و نظریه‌ها (۱۱).

فراتر از این اصلاحات ضروری، تاریخ‌نگاران از تعامل پایدار با حوزه‌های مرتبط مانند آموزش انتقادی و ابتکاراتی مانند گروه برپایی کلاس درس ضدنژادپرستی (BARC) نیز بهره‌مند خواهند شد که ما را ترغیب می‌کنند نه تنها به این فکر کنیم که چه چیزی مطالعه می‌شود، بلکه چگونه و با چه اهدافی؟

نتیجه‌گیری

در فوریه ۱۹۰۵، وی. ای. بی. دوبوآ، دانشمند برجسته مطالعات سیاه‌پوستان، در نشریه مستقر در آتلانتا به نام صدای سیاهان^۳ اهداف مطالعه تاریخی را چنین توصیف کرد:

ما تنها می‌توانیم زمان حال را با مراجعه مداوم به گذشته و مطالعه آن

درک کنیم: هرگاه یکی از پدیده‌های پیچیده روزمره ما را گیج کند؛ هرگاه مشکلات مذهبی، سیاسی یا نژادی بروز کند، همیشه باید به یاد داشته باشیم که در حالی که راه‌حل آن‌ها در زمان حال است، علت و توضیح آن‌ها در گذشته نهفته است. (۱۲)

در این سخن، دوبوآ مطالعه تاریخ را نه به‌عنوان موضوعی برای کنجکاوی فکری، بلکه به مثابه اسلحه‌ای در دست کسانی که به دنبال تغییر یک جامعه ناعادلانه و نابرابر هستند، مطرح می‌کند. تنها با تعامل با تاریخ مردم آفریقایی‌تبار می‌توانیم شرایط کنونی را به‌درستی درک کنیم و آینده‌های جایگزین برای سیاه‌پوستان را محقق کنیم.

دوبوآ نمونه‌ای بارز از این رویکرد فعال-پژوهشگر بود؛ او در حالی که آثار بنیادینی درباره تجربه سیاه‌پوستان منتشر می‌کرد، به ایجاد سازمان‌های سیاسی، از جمله انجمن ملی پیشرفت رنگین‌پوستان^۴ (NAACP) و کنگره بان‌آفریقایی، کمک می‌کرد.

در اوج دوران قدرت سیاه، دانشجویان آفریقایی-آمریکایی و طرفداران آن‌ها در بین کارکنان دانشگاه این آموزش جایگزین را در برنامه‌های تازه تأسیس مطالعات سیاه‌پوستان به یک الگو تبدیل کردند. این رشته مأموریتی منحصربه‌فرد برای «توانمندسازی» داشت، نه تنها برای گسترش و تصحیح دانش موجود، بلکه همچنین برای ارائه راهکارهای سازنده برای حل مشکلاتی که مردم آفریقایی-آمریکایی با آن روبرو هستند. (۱۳) فعالان دانشجویی سیاه‌پوست از اساتید و دیگر سیاهان خواستند که به‌طور انتقادی به رابطه دانشگاه و فعالیت‌های فکری خود با جوامع کارگری سیاه‌پوست

اطراف دانشگاه و همچنین جنبش‌های آزادی‌بخش سیاه‌پوستان و ضد استعماری در مقیاس گسترده‌تر بیندیشند.

به کمپین‌های دانشجویی معاصر باید در بستر این تداوم تاریخی نگریسته شود. به صورتی که آنان یک اقدام استعمارزدایی ارائه می‌دهند که به گفته جغرافیدان سیاه‌پوست و مسلمان بریتانیایی خانم عزیزت جانسون متعهد به مقابله با برتری‌طلبی سفیدپوستان هم «در آن بیرون» و هم «در این درون» است (۱۴). همان‌طور که مشاهده کردیم، این بدان معناست که فعالان دانشجویی به میراث مادی و ایدئولوژیک نقش تاریخی دانشگاه‌ها در برده‌داری و استعمار، و همچنین دینامیک قدرت نژادپرستانه که اکنون نیز همچنان تولید و انتشار دانش را در اختیار دارند، توجه نموده‌اند.

در عین حال، بیانیه‌های دانشجویی اغلب کارزارهای دانشگاهی در زمینه نمادها، برنامه‌های درسی و نمایندگی را در ارتباط با جنبش‌های گسترده‌تری که با نابرابری‌های نژادی و طبقاتی فزاینده در این دوران جدید افول سر و کار دارند، قرار می‌دهند. دانشگاه‌های معاصر همچنان به شدت در تولید این نابرابری‌های گسترده‌تر دخیل هستند، نه تنها به‌عنوان مراکز تولید دانش، بلکه در نقش‌های فزاینده‌ای که به‌عنوان کارفرما و استخدام‌کننده، توسعه‌دهندگان املاک و مدیران مستغلات و دارایی‌های دانشگاه بر عهده دارند. برای مثال، رهبران دانشجویی در گلداسمیتس نه تنها اصلاح برنامه درسی را مطالبه کردند، بلکه خواستار پایان دادن به برون‌سپاری و طرح‌های مخرب بازسازی شهری شدند که بقای جوامع کارگری



Goldsmiths, University of London, 'Statement of commitments made by Goldsmiths Senior Management team to Goldsmiths Anti-Racist Action', 27 July 2019; <https://www.gold.ac.uk/media/documents-by-section/about-us/statements/SMT-Commitments-270719.pdf> (accessed 23 September 2019).

2. D. Gebrial, 'Rhodes Must Fall: Oxford and movements for change,' in G. K. Bhabra, D. Gebrial and K. N. Sanioglu, eds., *Decolonising the University*, London, Pluto Press, 2018, pp. 19–36.

3. S. K. Cha-Jua, 'The new nadir: the contemporary racial formation,' *The Black Scholar*, vol. 40, no. 1, 2010, pp. 38–58.

4. C. Alexander and J. Arday, eds., *Aiming Higher: Race, Inequality and Diversity in the Academy*, London, Runnymede Trust, 2015; <https://www.runnymedetrust.org/uploads/Aiming%20Higher.pdf> (accessed 23 September 2019); Office for Students, 'Topic briefing: black and minority ethnic (BME) students', 2018; https://www.officeforstudents.org.uk/media/145556db-8183-40b8-b7af-741bf2b55d79/topic-briefing_bme-students.pdf (accessed 23 September 2019).

5. A. Césaire, *Discourse on Colonialism*, New York, Monthly

رنگین‌پوست اطراف دانشگاه را تهدید می‌کردند. این جنبشی است که هیچ‌گونه تسامحی در مقابله با دانشگاه‌هایی که در بهره‌کشی از کارگران و شیوه‌های و مطالعات به‌نژادی و نژاد اصیل نقش داشته، یا فرهنگ‌های نظارت و جنگ را ترویج داده‌اند، نشان نمی‌دهد.

تاریخ‌نگاران و دیگر پژوهشگران علاقه‌مند به عدالت اجتماعی نقش‌های مهمی در حمایت از این جنبش‌های مستقل دانشجویی ایفا می‌کنند. آن‌ها باید از موقعیت و مهارت‌های منحصربه‌فرد خود استفاده کنند تا ابتکارات عدالت ترمیمی و جبرانی را که به درون و فراتر از کلاس‌های درس گسترش می‌یابد، پیش ببرند.

:

* *Decolonising the University: The Origins and Meaning of a Movement*- Pimlott- 2020- *The Political Quarterly*- Wiley Online Library

پاورقی:

1. Goldsmiths Anti-Racist Action (GARA)
2. Leading Routes
3. The Voice of the Negro
4. Association for the Advancement of Colored People

Notes

1. Goldsmiths Anti-Racist Action, *Occupation Manifesto*, 16 March 2019; https://docs.google.com/document/d/1l6Jn-q8TLqnZtEGiEjEtOd_egF70q2ENcOmWJyk5ulM/edit (accessed 23 September 2019);



Council Fund- ing, September 2019; <https://leadingroutes.org/mdocs-posts/the-broken-pipeline-barriers-to-black-students-accessing-research-council-funding> (accessed 23 September 2019).

12. W. E. B. Du Bois, 'The beginnings of slavery', *Voice of the Negro*, vol. 2, February 1905, p. 104. 13 M. Marable, 'Blueprint for black studies and multiculturalism', *The Black Scholar*, vol. 22, no.

13. 1992, pp. 30–35; C. E. Jones, P. Dixon and

A. O. Umoja, 'Return to the source: the role of service-learning in recapturing the 'empower- ment' mission of African-American studies', *The Black Scholar*, vol. 35, no. 2, 2005, pp. 25–36.

14. A. Johnson, 'An academic witness: white supremacy within and beyond academia', in *The Fire Now: Anti-Racist Scholarship in Times of Explicit Racial Violence*, London, Zed Books, 2018, pp. 15–25.

منبع:

Decolonising the University: The Origins and Meaning of a Movement- Pimlott- 2020- The Political Quarterly- Wiley Online Library

Review Press, 2000, pp. 55–56.

6. RMF Oxford, '#RHODESMUSTFALL: Our Aim,' 2015; <https://rmfoxford.wordpress.com/about/> (accessed 23 September 2019).

7. F. Rojas, 'Social movement tactics, organiza- tional change and the spread of African-American Studies', *Social Forces*, vol. 84, no. 4, 2006, pp. 2147–2166.

8. Alexander and Arday, *Aiming Higher*.

9. National Union of Students, *Race for Equality: A Report on the Experiences of Black Students in Fur- ther and Higher Education*, 2011; https://www.nus.org.uk/PageFiles/12350/NUS_Race_for_Equality_web.pdf (accessed 23 September 2019).

10. Royal Historical Society, *Race, Ethnicity 5 Equality in UK History: A Report and Resource for Change*, London: Royal Historical Society, 2018, pp. 35, 62, 38, 8, 41; https://5hm1h4aktue2uejbs1hsqt31-wpengine.netdna-ssl.com/wp-content/uploads/2018/10/RHS_race_report_EMBARGO_0001_18Oct.pdf (accessed 1 November 2019).

11. Ibid., pp. 10, 23, 82–83. See also *Leading Routes, The Broken Pipeline—Barriers to Black PhD Students Accessing Research*

